

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ  
سال دهم، شماره‌ی سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۶۲-۱۳۳

## بررسی و مطالعه‌ی تطبیقی نقوش صخره‌ای عقربلو با نقوش صخره‌ای غار کرفتو

اسماعیل معروفی‌ا قدم<sup>۱</sup>، بهروز افخمی<sup>۲</sup>، مهدی حسینی‌نیا<sup>۳</sup>،  
افراسیاب گراوند<sup>۴</sup>، فربرز طهماسبی<sup>۵</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تطبیقی و رویکرد تحلیلی و با استفاده از مشاهده‌ی بصری حضوری یافته‌های حاصل از بررسی‌های میدانی، مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای نشان می‌دهد که در صخره‌نگاره‌های غار کرفتوی دیواندره و نقوش عقربلو در مسیر شاهین‌دژ - بوکان، علاوه بر وجود نقوشی مشترک همچون بزهای کوهی، تصویر یا نماد محراب، تصاویر لوزی و...، نقش سواران در حال تیراندازی به پشت سر خود یکی از مهم‌ترین وجوه مشترک بین این دو مکان است. این صخره‌نگاره را می‌توان مهم‌ترین اثر در جهت تاریخ‌گذاری نسبی و هم‌زمانی این دو مجموعه به شمار آورد. این شیوه‌ی نبرد در دوره‌ی پارتيان از شیوه‌های نبرد «جنگ و گریز» بوده که جنگجویان پارتي آن را اجرا می‌کرده‌اند. با توجه به نزدیکی دو اثر به هم و همچنین ویژگی‌های مشترک بین نقوش آنها می‌توان بیان کرد که صخره‌نگاره‌های درون غار کرفتو (حداقل شماری از آنها) و

۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، (نویسنده‌ی مسئول)،  
(esmaeel.maroufi@gmail.com).

۲. دانشیار و عضو هیات‌علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، (bafkhami@uma.ac.ir).

۳. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، (mehdihosseyni5518@gmail.com).

۴. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، مسئول اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شهرستان سلماس (garavand.afra@gmail.com).

۵. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، (fariborz.tahmasebi@yahoo.com).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۲، تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۴/۱۵.

نقوش صخره‌ای عقربلو، متعلق به فرهنگی مشترک بوده و در یک بازه زمانی مشترک ایجاد شده‌اند؛ بنابراین با توجه به گاه‌نگاری‌های نسبی صورت‌گرفته درباره‌ی نقوش غار کرفتو و تعلق قسمتی از این نقوش به دوره‌ی اشکانی و پس از آن، می‌توان استنباط کرد که نقوش صخره‌ای عقربلو نیز متعلق به همین دوره‌ی تاریخی‌اند.

واژه‌های کلیدی: نقوش صخره‌ای، غار کرفتو، عقربلو، نقوش مشترک، نمادشناسی

#### مقدمه

هنر نقوش صخره‌ای<sup>۱</sup> در بسیاری از جوامع و فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، ابزاری برای بیان افکار و اعتقادات بوده است. مطالعه‌ی آن نقوش از دهه‌ی گذشته، به تدریج در حال به‌دست‌آوردن جایگاهی در حوزه‌ی مطالعات باستان‌شناسی ایران است. فراوانی و پراکندگی این آثار صخره‌ای در نواحی مختلف ایران (شمال‌شرق، غرب، فلات مرکزی، جنوب و جنوب‌شرق)، این موضوع را به شاخه‌ای جدید از مطالعات باستان‌شناسی کشور تبدیل کرده است.<sup>۲</sup> هنر صخره‌ای در مفهوم امروزی، فقط دربرگیرنده‌ی نگاره‌هایی است که نقش‌مایه‌های عمده‌ی آنها، تصاویر کوچک و گاه مینیاتوری، حیوان، اشکال، نمادها، گیاهان و انسان، به‌صورت تک‌نگاره یا در صحنه‌ها و مجالس شکار، نبرد، رقص و مراسم اجتماعی و آیینی بوده و تکنیک اجرایی این نقوش به شیوه‌ی کنده‌نگاره<sup>۳</sup> است؛<sup>۴</sup> اما به‌طور کلی تمامی انواع کنسندن، ساییدن، خراشیدن، بریدن و خردکردن را دربرمی‌گیرد.<sup>۵</sup> نقوش صخره‌ای گاه مرتبط به هم

#### 1. Rock Art

۲. طاهر قسیمی، (۱۳۸۶)، «گزارش بررسی نقوش صخره‌ای در منطقه‌ی اورامان». *مجله‌ی باستان‌پژوهی*، دوره‌ی جدید، س ۲، ش ۳، ص ۷۱؛ (به نقل از سمیرا شیخ‌اکبری‌زاده، سعید امیرحاجلو، حسنعلی عرب، (۱۳۹۲)، «مطالعه‌ی تفسیرگرایانه‌ی صخره‌نگاره‌های نویافته‌ی زه کلوت جازموریان». *مجله‌ی مطالعات ایرانی*، س ۱۲، ش ۲۴، ص ۱۹۶).

#### 3. Petroglyph

۴. مهدی رضایی و خیرالنساء جودی، (۱۳۸۹)، «اشکفت‌نگاره‌های هلوش؛ معرفی، توصیف، تفسیر و گاه‌نگاری». *مجله‌ی انسان‌شناسی و فرهنگ*، ص ۳.

۵. فریبا کریمی، (۱۳۸۶)، «نگرشی نو به کنده‌نگاره‌های صخره‌ای ایران بر مبنای مطالعات میدانی». *مجله‌ی باستان‌پژوهی*، دوره‌ی جدید، س ۱، ش ۲، ص ۲۱.

تصویر شده و گاه مجزا و بی‌ارتباط باهم‌اند. اغلب محققان این نقوش را به دوران پیش از تاریخ نسبت می‌دهند، اما مطالعات اخیر نشان می‌دهد که ممکن است بسیاری از آنها به ادوار تاریخی و حتی دوره‌های متأخرتر تعلق داشته باشند.<sup>۱</sup> در مناطق مختلف سرزمین ایران، نقوش صخره‌ای متعددی به دست آمده و شمار بسیاری از آنها تا به امروز در مجلات و کتاب‌های مختلف تشریح و بررسی شده‌اند. اولین نقوش یافته‌شده در ایران، متعلق به نگاره‌های کوه‌دشت لرستان است که در حدود شش تا هشت هزار سال قدمت دارند.<sup>۲</sup> در بررسی‌های باستان‌شناسی دو دهه‌ی اخیر منطقه‌ی غرب و شمال‌غرب ایران نیز، نگاره‌های صخره‌ای بسیاری شناسایی و معرفی شده است که از آن جمله می‌توان به نقوش پیرازمیان لاهرود در مشکین‌شهر، نقوش قلعه ارجق شهریری، نقوش لیقان، قهقهه و سونگون در ناحیه‌ی ارسباران اهر، خره (دره) هنجیران مهاباد،<sup>۳</sup> نقوش باپنجوب، سنگ سفید و کانی نیم روژه سنندج، غار بردمیر مریوان، ظفرآباد دهگلان و چندین مجموعه نقوش دیگر در سایر نقاط این منطقه‌ی وسیع اشاره کرد. از جمله‌ی نقوش صخره‌ای بارزش دیگر این منطقه، صخره‌نگاره‌های عقربلو یوکان - شاهین‌دژ و آثار صخره‌ای غار کرفتوی دیواندره است (نقشه‌های شماره‌ی ۱ و ۲). آثار عقربلو روی تخته‌سنگی عمودی و رو به طلوع خورشید، در دامنه‌ی کوه سرخ (کیوه سور) در جنوب استان آذربایجان غربی واقع شده است. نگاره‌های عقربلو ۱۹ نقش متنوع انسانی، حیوانی، هندسی و... دارد که در ابعاد و اندازه‌های مختلف و به شیوه‌ی پتروگلیف یا کنده‌نگاره روی سطح سخت سنگ بریده و نقر شده است. درون طبقات غار کرفتوی دیواندره نیز در سطوح مختلف آن، انواع نقوش استیلیزه‌ی انسان، پنجه‌ی دست انسان، سواران، بز کوهی، اسب و گرگ و نگاره لوزی و دایره به سه شیوه‌ی کنده و کوبشی و کنده‌کوبشی قابل مشاهده است. نگارندگان با

۱. لایلا فاضل، (۱۳۹۰)، «تنگ تاودان و تنگ تیهویی، نویافته‌هایی از هنر صخره‌ای در استان فارس»، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال ۲ و ۳، ش ۴ و ۵، ص ۶۹.
۲. حمید ایزدپناه، (۱۳۶۳)، آثار باستانی و تاریخی لرستان، ج ۱، تهران: آگاه؛ (به نقل از آنیسا آیتی‌زاده، (۱۳۹۳)، «بررسی سنگ‌نگاره‌های باستانی اسبته‌ی یزد»، مجله‌ی جلوه‌ی هنر، ش ۱۲، ص ۸۰).
۳. سیروان محمدی‌قصریان و رحمت نادری، (۱۳۸۶)، «بررسی و مطالعه‌ی نقوش صخره‌ای خره هنجیران (مهاباد)»، مجله‌ی باستان‌پژوهی، دوره‌ی جدید، س ۲، ش ۳، صص ۶۱-۶۴.

توجه به بررسی صخره‌نگاره‌های عقربلو و غار کرفتو، اهداف زیر را دنبال می‌کنند:

الف. شناسایی نقوش صخره‌ای غار کرفتو و عقربلو و دسته‌بندی آنها  
ب. تحلیل و مقایسه‌ی صخره‌نگاره‌های عقربلو با نقوش غار کرفتو و تعیین گاه‌نگاری  
نسبی آن

#### سؤالات پژوهش

۱. صخره‌نگاره‌های عقربلو و غار کرفتو به چند دسته تقسیم می‌شوند و نقوش مشترک آنها کدام‌هاست؟
۲. با توجه به مقایسه و تطبیق نقوش عقربلو با نقوش غار کرفتو، بازه‌ی زمانی ایجاد این نقوش، متعلق به چه دورانی است؟

#### روش پژوهش

به‌منظور دستیابی به اهداف پژوهش و با توجه به ماهیت تاریخی نقوش مورد مطالعه، با تکیه به روش توصیفی-تطبیقی و رویکرد تحلیلی و با استفاده از مشاهده‌ی بصری-حضور یافته‌های حاصل از بررسی‌های میدانی، مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، شواهدی استنباطی استخراج و ارزیابی خواهند شد.

پیشینه‌ی مطالعاتی نقوش غار کرفتو و عقربلو در مطالعات فرهنگی پژوهشگران و محققان بسیاری هنگام بازدید از غار کرفتو به پژوهش و مطالعه‌ی آن پرداخته‌اند.<sup>۱</sup> کریورتر در سال ۱۳۱۳ نقشه‌ای از غار تهیه کرد، استین<sup>۲</sup> این نقشه را تکمیل و فون گال نقشه‌ی استین را تصحیح کرد.<sup>۳</sup> در سال ۱۳۲۱ دکتر بهمن کریمی به همراه استین از نقش اسب و سواری در غار کرفتو نام می‌برند که در زیر کتیبه حک شده و آن را یادگار فتوحات گودرز بر مهرداد می‌دانند. از جمله‌ی دیگر محققان که به بررسی و مطالعه‌ی غار

---

1. P. Bernard, (1980), Heracles, Les grottes de karafto et Le sanctuaire du mont sambulos en Iran', stIr9, 302-24  
2. A Stein, K.C.I.E, (1940), Old Routes of Western IRAN, pp. 1-586.  
3. H.V Gall, (1978), Die Kultraume in din Felsen von Karaftu bei Takab (west Azerbaidjan), AMI (Archaeologische Mitteilungen aus Iran), 11: pp. 91-112.

| بررسی و مطالعه‌ی تطبیقی نقوش صخره‌ای عقربلو با نقوش صخره‌ای غار کرفتو | ۱۳۷

کرفتو و نقوش آن پرداخته است، می‌توان به: خانیکف در سال ۱۹۱۷، دیلاس<sup>۱</sup> از دانشگاه شیکاگو، رسول اشتودان در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان بررسی اجمالی غار کرفتو،<sup>۲</sup> بررسی‌های لحافیان در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۳،<sup>۳</sup> بررسی‌های هیئت پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی به سرپرستی حسن رضوانی در سال ۱۳۸۳ و بررسی‌های طاهر قسیمی در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ اشاره کرد. اخیراً نیز کتاب جامعی از نقوش صخره‌ای غار کرفتو با عنوان کرفتو، بوم زمان: بررسی نقوش صخره‌ای، از آقای قسیمی و همکاران ایشان به رشته‌ی تحریر درآمده است.<sup>۴</sup>

درباره‌ی آثار عقربلو نیز باید اذعان کرد که اولین منبعی که به این نقوش اشاره کرده، کتاب تمدن مهاباد نوشته‌ی محمود پدram است که فقط به شناسایی و معرفی موقعیت جغرافیایی صخره‌نگاره‌ها و چندی از نقوش آن بسنده کرده است.<sup>۵</sup> در کتاب سنگ‌نگاره‌های ارسباران، نوشته‌ی جلال‌الدین رفیع‌فر نیز، نقوش صخره‌ای عقربلو در حد یک پاراگراف معرفی و با نقوش خوره‌ی هنجیران و ارسباران مقایسه شده است.<sup>۶</sup> خانم فریبا کریمی نیز در مقاله‌ی خود با نام «نگرشی نو به کنده‌نگاری‌های صخره‌ای ایران»، در تقسیم‌بندی مناطق هفت‌گانه‌ی نقوش صخره‌ای ایران، به آثار صخره‌ای عقربلوی بوکان - شاهین‌دژ در دسته‌ی نقوش منطقه‌ی چهار، یعنی غرب و شمال‌غرب ایران اشاره کرده است.<sup>۷</sup> به‌طور کلی باید اذعان کرد که تا به امروز بررسی جامع و کاملی روی نگاره‌های صخره‌ای عقربلو انجام نگرفته و این پژوهش سعی دارد علاوه بر معرفی و دسته‌بندی نقوش

1. DeBlase A. F., 1980: The bats of Iran: systematics, distribution, ecology Fieldiana: Zoology, N. S., 4: pp. 1-424

۲. رسول اشتودان، (۱۳۷۳)، «بررسی اجمالی غار کرفتو»، به راهنمایی علی‌اکبر سرفراز، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد، رشته‌ی باستان‌شناسی، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.

3. Jamal, Lahafian, (2004), Rock Art Research, Petroglyphs of Kurdistan. 21 (1): pp. 3-10  
Otte, M., Adeli, J., Remacle, L., 2003 West Iranian Rock Art. INORA. Vol.37, pp. 3-10

۴. طاهر قسیمی، سوران قسیمی، آقام قسیمی، (۱۳۹۵)، کرفتو بوم زمان: بررسی نقوش صخره‌ای، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

۵. محمود پدram، (۱۳۷۳)، تمدن مهاباد، تهران: هور.

۶. جلال‌الدین رفیع‌فر، (۱۳۸۴)، سنگ‌نگاره‌های ارسباران، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

۷. «نگرشی نو به کنده‌نگاره‌های صخره‌ای ایران بر مبنای مطالعات میدانی» ص ۲۴.

مذکور، با مقایسه‌ی این نقوش با نگاره‌های غار کرفتو، به تحلیل و گاه‌نگاری نسبی آن بپردازد.

#### نقوش صخره‌ای غار کرفتو

یکی از مجموعه‌های باارزش نگاره‌های صخره‌ای در ایران، از لحاظ فراوانی و تنوع نقوش آن، غار کرفتو است. این اثر در استان کردستان، در ۷۴ کیلومتری شرق سقز واقع شده و ۱۲ کیلومتر تا دهستان کرفتو فاصله دارد (نقشه‌ی شماره‌ی ۱). این غار در بین مکان‌های تاریخی زیویه و تخت سلیمان قرار گرفته است. غار کرفتو مجموعه‌ای از غارهای طبیعی است که ورودی و تعدادی از راهروهای آن در طول دوران پارتنی دستکاری شده است (تصویر شماره‌ی ۱).<sup>۱</sup> وجود کتیبه‌های یونانی بر سردر یکی از اتاق‌ها، دلیلی بر استفاده از غار به‌عنوان معبدی برای هرکول، خدای یونانی، بوده است؛<sup>۲</sup> در این کتیبه از ایزدی به نام هراکلس یاد شده است.<sup>۳</sup> به‌طور کلی با توجه به مطالعات باستان‌شناسی، احتمالاً از اواخر هزاره‌ی پنجم پ.م تا هزاره‌ی چهارم پ.م این غار مورد استفاده قرار گرفته و از دوره‌ی سلوکی به بعد، یعنی در دوره‌های اشکانی، ساسانی و اسلامی نیز از آن برای سکونت استفاده شده است.<sup>۴</sup> غار کرفتو در دسته‌ی غارهای طبیعی دست‌کند قرار می‌گیرد. این نوع غارها معمولاً منشأ طبیعی دارند که بعدها بشر آنها را برای مقاصد گوناگون، حفاری و حجاری کرده است. انسان در دوره‌های مختلف تاریخی و پیش از آن، در غار کرفتو سکونت داشته و به همین دلیل درون آن را با توجه به نیازهای خود تغییر داده و بنابراین غار کرفتو امروزه به‌عنوان اثری طبیعی دست‌ساز مدنظر قرار می‌گیرد. درون غار کرفتو و در طبقات مختلف آن، نقوش صخره‌ای متعددی در قالب مجموعه‌هایی جداگانه بر دیواره‌های آن حک شده است. صخره‌نگاره‌های درون غار کرفتو شامل انواع نقوش بز کوهی، مرال، اسب، سوارکاران، انسان، پنجه‌ی دست، دوایر، لوزی‌های متعدد، مثلث، نقش

1. P. Bernard, (1980), Heracles, Les grottes de karafto et Le sanctuaire du mont sambulos en Iran', stIr9, pp. 302-324

2. H.V Gall, (1978), Die Kultraume in din Felsen von Karaftu bei Takab (west Azerbaidjan), AMI (Archaeologische Mitteilungen aus Iran) 11: pp. 91-112.

3. A. Stein, K.C.I.E, (1940), Old Routes of Western IRAN.

۴. محمدسالار ترخانی، ندا بهاروند، منصور بدری‌فر، (۱۳۸۹). «بررسی غار تاریخی کرفتو از دیدگاه

ژئوتوریسم»، فصلنامه‌ی زمین و منابع واحد لاهیجان، س ۳، ش ۱، ص ۱۹.

۱۳۹ | بررسی و مطالعه‌ی تطبیقی نقوش صخره‌ای عقربلو با نقوش صخره‌ای غار کرفتو

نعل اسبی، گرگ، مربع، فنجان‌نماها، نقش محراب‌مانند، حیوانات گوشته‌خوار و... است که در هر چهار طبقه‌ی غار کرفتو دیده می‌شود. نقش‌های ترسیم‌شده در مجموعه‌ی غار کرفتو به سه دسته‌ی انسانی، حیوانی، هندسی یا نمادین قابل طبقه‌بندی‌اند. تکنیک ایجاد این نقوش به صورت کنده بوده و جنس سنگ‌هایی که نقوش بر آن شکل گرفته از نوع سنگ‌های آهکی است. این نقوش در قسمت‌های مسکونی غار به صورت صحنه‌های روایی، جمعی و نقوش منفرد کنده شده و موضوع آنها می‌تواند با کارکردهای مختلف بنای کرفتو در هر دوره‌ی تاریخی ارتباط مستقیم داشته باشد.

نقوش طبقه‌ی اول، بر بالای سردر ورودی، دیواره‌های غربی و شرقی دریچه‌ی روشنایی و دیواره‌های غربی و شرقی راهرو ایجاد شده‌اند و شیوه‌ی ایجادشان به روش‌های کنده و کنده‌کوبشی و شامل نقوش اسب و سوار، اسب، بز کوهی، گرگ، لوزی، مربع، دایره، مثلث، نقش نعل اسبی تصویر و پنجه‌ی دست انسان است. نقوش طبقه‌ی دوم بر دیواره‌ی غربی اتاق محراب ترسیم شده است و تکنیک ایجاد این نقوش به صورت کنده است. نقوش این صحنه شامل نقوش مرال، نقوش حیوان گوشته‌خوار نامشخص، بز کوهی و دایره است. در قسمت بالا و میانی این نقوش، محرابی به سبک و شیوه‌ی محراب‌های دوره‌ی ایلخانی حجاری و کنده‌کاری شده است و در قسمت پایین آن طاقچه‌ای دیده می‌شود.<sup>۱</sup>

نقوش تالار طبقه‌ی سوم بر دیواره‌های شرقی و غربی تالار و سردر وردی اتاق معبد هرکول کنده شده است. از نقوش قابل شناسایی در این قسمت می‌توان به یک مورد انسان شکارگر ایستاده با تیروکمان، نقش پنجه‌ی دست انسان، نقوش حیوانی مانند نقش بز کوهی، اسب، غزال و چند حیوان ناشناخته‌ی دیگر و نقوش نعل اسبی و دایره اشاره کرد که به صورت تک‌نقش‌ها و صحنه‌های روایی و جمعی به تصویر درآمده‌اند.<sup>۲</sup> یکی از جالب‌ترین

۱. طاهر قسیم، آقام قسیم، سوران قسیم، (۱۳۹۲)، «بررسی و مطالعه‌ی نقوش صخره‌ای غار کرفتو،

شمال کردستان»، سی‌ودومین گردهمایی و نخستین کنگره‌ی بین‌المللی تخصصی علوم زمین، ص ۵.

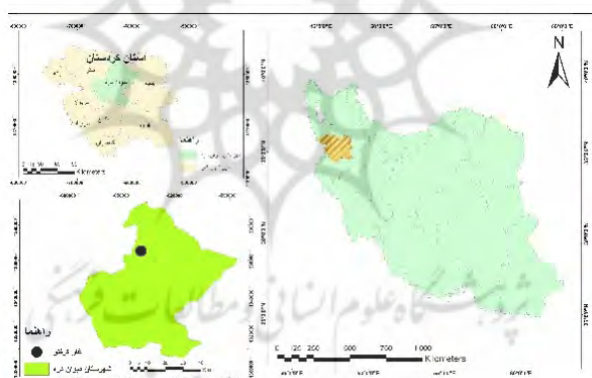
۲. الباس صفاران، ثریا شوقی‌بابانظر، (۱۳۹۴)، «بررسی و مطالعه‌ی نقوش صخره‌ای شمال غرب ایران جهت

بهره‌وری‌های فرهنگی، هنری و گردشگری (مطالعه‌ی موردی روستای عقربلو و غار کرفتو)»، دومین

همایش ملی باستان‌شناسی ایران، ص ۶.

نقوش به تصویرکشیده در تالار معروف به اتاق هرکول، تصویر دو سوارکار در حال تاخت با اسبان خود است. اسب‌های این دو سوارکار پشت‌به‌پشت هم ایستاده‌اند و خود سوارکاران نیز خلاف جهت حرکت اسبان، به عقب برگشته‌اند؛ گویی در حال تیراندازی به سمت یکدیگرند. عقب‌نشینی ساختگی یا قیقاج‌زدن (تیراندازی به سمت عقب در حین عقب‌نشینی)<sup>۱</sup> در ادبیات رومی و نیز در میان واژه‌های انگلیسی معروف است.

نقوش طبقه‌ی چهارم بر تراس شمالی، دیواره‌ی شمالی و ضلع غربی ورودی تراس به شیوه‌های کنده و کوبشی ایجاد شده است که شامل نقوش اسب و سوار، اسب، نقوش نعل اسبی، نقوش هندسی چلیپامانند و علائم شمارشی است.<sup>۲</sup> سبک ترسیم نقوش اسب و سواران این قسمت کمی واقع‌گراست؛ سواران خلاف جهت حرکت اسب خود به عقب برگشته‌اند و نوع سربندهایی که بسته‌اند و نحوه‌ی حرکت اسب‌های آنها به راحتی قابل تشخیص است. به نظر می‌رسد این مجموعه صحنه‌ای از یک میدان جنگ را روایت می‌کند که هر یک از سواران در جهت‌های مختلف در حال تاخت و تازند.<sup>۳</sup>



نقشه‌ی شماره‌ی ۱: موقعیت جغرافیایی استان کردستان، شهرستان دیواندره و غار کرفتو

(با استفاده از نرم‌افزار ARC GIS، نسخه‌ی ۱۰٫۱).<sup>۴</sup>

## 1. Parthian shot

۲. «بررسی و مطالعه‌ی نقوش صخره‌ای غار کرفتو، شمال کردستان»، ص ۶.

۳. «بررسی و مطالعه‌ی نقوش صخره‌ای شمال غرب ایران جهت بهره‌وری‌های فرهنگی، هنری و گردشگری

(مطالعه‌ی موردی روستای عقربلو و غار کرفتو)»، ص ۱۱.

۴. همان‌جا.





تصویر شماره ۱: غار کرفتو<sup>۱</sup>

#### نقوش صخره‌ای عقربلو

روستای عقربلو در هشت کیلومتری غرب شهرستان شاهین‌دژ، از توابع استان آذربایجان غربی و در کنار رودخانه‌ی دائمی زرینه‌رود واقع شده است (نقشه‌ی شماره‌ی ۲). در حدود ۵۰۰ متری شمال این روستا کوهی با نام محلی «کیوه سور» به معنای کوه سرخ قرار گرفته که در دامنه‌ی شرقی آن و رو به طرف رودخانه، صخره‌ای با سطحی صاف و صیقلی به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز خودنمایی می‌کند (تصاویر شماره‌ی ۲ و ۳). روی این تخته‌سنگ، تعداد بسیاری نقوش کنده‌کاری شده، به صورت کاملاً مشخص و قابل‌شمارش، دیده می‌شود. این صخره‌نگاره‌ها با وجود گذشت مدتی طولانی از زمان ایجادشان، دچار فرسایشی شدید نشده‌اند؛ به طوری که تمامی ویژگی‌های کیفی نقوش اعم از عمق کنده‌کاری‌ها، اندازه، قطر و نوع نقش‌ها به راحتی قابل شناسایی است. کنده‌نگاره‌های عقربلو به طور کلی به چهار دسته نقوش حیوانی، نقوش انسانی (صحنه‌های تلفیقی و صحنه‌های شکار)، نقوش هندسی و نقوش ابزارآلات (تیروکمان و عصا یا نیزه؟) تقسیم می‌شوند. حیوانات به تصویر کشیده شده نگاره‌های عقربلو، غیر از یک مورد نقش اسب که همراه با سوارکار و حیوانی نامشخص نمایش داده شده، تماماً شامل نقوش بز کوهی در ابعاد و اندازه‌های مختلف است. نقش بز در عقربلو به صورت منفرد، در صحنه‌های شکار، و به صورت ردیفی و پشت سرهم که در مقابل آنها تیروکمانی به تصویر کشیده شده، به نمایش

۱. نگارندگان.

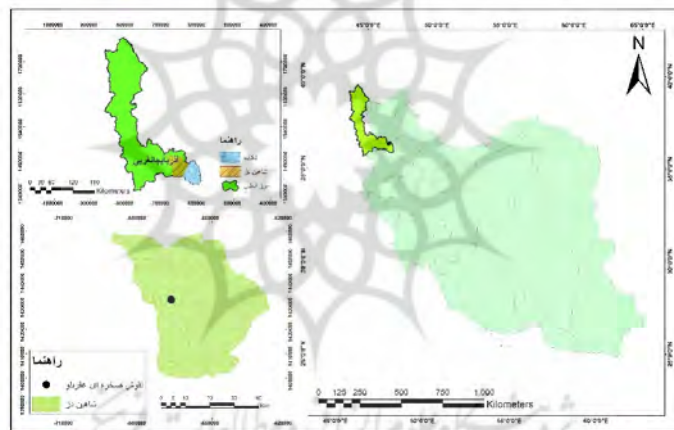
درآمده است. شاخ هلالی بلند بزها به صورت خیلی چشمگیر و بی هیچ گونه تناسبی با بدن حیوان کنده‌کاری شده و فقط در دو مورد، نقش بز با شاخ‌های کوتاه دیده می‌شود. اندازهی بزها نیز از ۱۰ سانتی‌متر تا ۳۵ سانتی‌متر متغیر است. نگاره‌های انسانی موجود در نقوش صخره‌ای عقربلو تنها به دو نقش سوارکار در حال تیراندازی با تیروکمان ختم می‌شود. از جمله زیباترین نقوش موجود در این مجموعه و شاید یکی از مهم‌ترین آنها از لحاظ تعیین تقریبی قدمت کل مجموعه، نقش انسانی سوار بر اسب است که در حالی که افسار اسب را در دست‌های خود نگه داشته، در خلاف جهت حرکت آن، با تیروکمان در حال تیراندازی به عقب یا پشت سر خود است. از جملهی نقوش هندسی موجود در عقربلو، نقشی محراب‌مانند و یا نمادی از یک خانه است که در بالای تمامی نگاره‌ها (به جز نقش یک لوزی) قرار گرفته است. محمود پدram در کتاب خود، این نقش را به مار تشبیه کرده است که هیچ شباهتی به آن ندارد.<sup>۱</sup> نقش هندسی لوزی از دیگر نگاره‌های نمادین عقربلو است. این نقش در بالاترین سطح صخره و بلندتر از تمامی نقوش قرار گرفته است. غیر از طرح لوزی موجود در مجموعه‌ی مورد مطالعه، در قسمت پایین صخره‌نگاره‌ها دو خط شکسته‌ی متقاطع نیز نقش بسته که طرح حاصل از تقاطع این دو خط نمادین، شکل یک لوزی است.

از دیگر نقوش زیبا در مجموعه‌ی عقربلو، نگاره‌ای نمادین است که به صورت دایره‌ای با نقطه‌ی مرکزی و سه خط کوچک متصل به آن حکاکی شده است. طول این نقش ۲۰ سانتی‌متر است که در نگاه اول به نقش یک حیوان می‌ماند؛ اما با توجه به نقطه‌ی مرکز درون دایره‌ی آن، احتمالاً نگاره‌ای معنادار و مفهومی است. نمونه‌ی تقریباً مشابه چنین نقشی در نگاره‌های صخره‌ای از ندریان ملایر و سنگ‌نگاره‌های ارگس سفلی همدان نیز به چشم می‌خورد. علاوه بر موارد ذکر شده، در محوطه‌ی تاریخی تیمره، مجموعه‌ی نقوش صخره‌ای فراهان اراک، نگاره‌های اوجیمام همدان و نگاره‌های لایخ مزار نیز مشابه چنین نگاره‌ای به دست آمده است. در تمامی موارد، نقش مورد مطالعه، نگاره‌ای نمادین معرفی

۱. تمدن مهاباد، ص ۱۳۲.

بررسی و مطالعه‌ی تطبیقی نقوش صخره‌ای عقربلو با نقوش صخره‌ای غار کرفتو | ۱۴۳

شده و فقط خسرو پوربخشنده در بررسی نقوش مورد مطالعه‌ی خود در فراهان اراک، این نگاره را تصویر احتمالی یک گوزن دانسته<sup>۱</sup> و مسعود رشیدی‌نژاد و همکارانش نیز در نگاره‌های اوجیمام همدان، از آن به‌عنوان نماد شمنیستی یاد کرده‌اند.<sup>۲</sup> نگاره‌ی نمادین دایره از نظر شکل ظاهری بسیار مشابه صحنه‌های تاج‌ستانی یعنی گرفتن حلقه‌ی قدرت، در نقوش برجسته‌های ادوار تاریخی ایران است. برای مثال در نقش برجسته‌ی ساسانی نرسه و آنهیتا در نقش رستم، و همچنین در طاق‌بستان حلقه‌ی قدرت دیده می‌شود. علاوه بر نقوش مذکور، نگاره‌ی تیروکمان به‌صورت منفرد و بی حضور انسان نیز از جمله‌ی نگاره‌های عقربلو است که به طرف نقش سه‌بز، و در صحنه‌ای دیگر رو به طرف تصویری نامشخص، نقش بسته است.



نقشه‌ی شماره‌ی ۲: موقعیت جغرافیایی آذربایجان غربی، شاهین‌دژ و روستای عقربلو (با استفاده از نرم‌افزار ARC GIS نسخه‌ی ۱۰.۱).<sup>۳</sup>

۱. خسرو پوربخشنده، (۱۳۸۶)، «نگاهی به نقوش صخره‌ای فراهان (اراک)»، مجله‌ی باستان‌پژوهی، دوره‌ی جدید، س ۱، ش ۲، ص ۴۷.
۲. مسعود رشیدی‌نژاد، میثم دلفانی، نرگس مصطفی‌زاده، (۱۳۸۸)، «معرفی سنگ‌نگاره‌های جریت، شهرستان جاجرم»، دوفصلنامه‌ی تحلیلی‌پژوهشی باستان‌شناسی، تاریخ هنر و مطالعات میان‌رشته‌ای، مجله‌ی انجمن علمی دانشجویان گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، س ۱، ش ۲، ص ۱۶۹.
۳. نگارندگان.



تصویر شماره ۲: کوه سرخ و موقعیت صخره‌نگاره‌ی عقربلو<sup>۱</sup>



تصویر شماره ۳: صخره‌نگاره‌ی عقربلو<sup>۲</sup>

تحلیل و تطبیق نقوش مشترک غار کرفتو و عقربلو  
نگاره‌های سنگی از شاخص‌ترین نمونه‌های آثار هنری و فرهنگی به شمار می‌روند که در  
باستان‌شناسی و دیگر علوم وابسته، جزو مدارک مهم تلقی می‌شوند. این آثار از ادوار پیش  
از تاریخ وجود داشته و در دوره‌های اسلامی نیز همچنان به حیات خود ادامه داده است. از  
نکات جالب توجه درباره‌ی نقوش صخره‌ای، قابلیت انطباق‌کننده‌نگاره‌ها (حداقل در بعضی

---

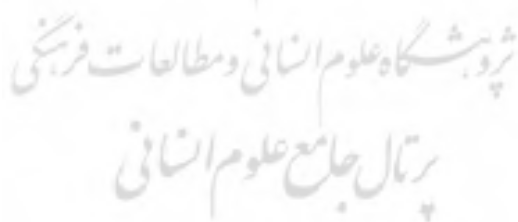
۱. همان‌جا.

۲. همان‌جا.

از نقوش)، با دیگر نقوش نقاط مختلف ایران است که این امر نشان از انسجام و پیوستگی فرهنگ و هنر این مرزوبوم دارد. با مطالعه و تحقیق روی این آثار تا حدودی می‌توان به سیمای فرهنگ‌های مختلف، شاخصه‌های فرهنگی و حتی ارتباطات مناطق مختلف پی برد. از لحاظ اشتراکات موضوعی، همچنین وجود اشتراکات شکلی و سبکی، نقوش صخره‌نگاره‌های غار کرفتو بیشترین نزدیکی و قیاس‌پذیری را با نقوش عقربلو دارند که در زیر به تحلیل آنها پرداخته می‌شود.

الف) نقش سوارکار: از جمله‌ی زیباترین نقوش موجود در مجموعه نقوش صخره‌ای عقربلو و شاید یکی از مهم‌ترین آنها از لحاظ تعیین تقریبی قدمت این آثار، نقش انسانی سوار بر اسب است که در حالی که افسار اسب را در دست‌های خود نگه داشته، در خلاف جهت حرکت آن، با تیروکمان در حال تیراندازی به عقب یا پشت سر خود است (تصویر شماره‌ی ۴). در این نگاره بدن اسب به صورت تقریباً واقع‌گرایانه به نمایش درآمده و توجهی کافی به عمق و حجم بدن آن شده است. اسب افسار نیز به گردن دارد که آن را سوارکار در دست‌های خود نگه داشته است. به‌طور کلی تصاویر انسان سوار بر اسب یا سوارکاران در سنگ‌نگاره‌های آسو و پنجه‌شیر در خراسان جنوبی، نقوش صخره‌ای بلوچستان، اشکفت‌نگاره‌ی هلوش لرستان، نگاره‌های مزرعه‌ی حاج مد همدان، سنگ‌نگاره‌های اسبته‌ی یزد، نقوش صخره‌ای ازندریان ملایر، نقوش دشت بیرم فارس، سنگ‌نگاره‌های ارگس سفلی همدان و نقوش صخره‌ای جازموریان کرمان دیده می‌شود. بر خلاف اشتراکات شکلی نقش اسب در این مجموعه‌ها با نقوش عقربلو، هیچ‌گونه اشتراک موضوعی میان آنها دیده نمی‌شود؛ به‌طوری‌که در این مناطق بر خلاف نقوش صخره‌ای غار کرفتو و عقربلو، سوارکار در حال تیراندازی به عقب به تصویر کشیده نشده است. نگاره‌ی سوارکار عقربلو یکی از حربه‌ها یا شیوه‌های جنگی (جنگ پارتیزانی یا تیراندازی به عقب در حین فرار) مخصوص پارتیان یا اشکانیان را نشان می‌دهد. نمونه‌ی مشابه چنین نقشی در نگاره‌های موجود در طبقات غار کرفتو دیده می‌شود. در صحنه‌ی جنگی در این غار، دو سوارکار بر خلاف حرکت اسب‌های خود، با تیروکمان در حال تیراندازی به سمت همدیگرند و در صحنه‌ای دیگر، سوارکاری در حال تیراندازی به عقب، مانند نمونه‌ی

عقربلو به تصویر کشیده شده است که طاهر قسیم و همکارانش آن را متعلق به دوره‌ی پارتیان می‌دانند (تصویر شماره ۵).<sup>۱</sup> عقب‌نشینی ساختگی یا قیقاچ‌زدن، در ادبیات رومی و در میان واژه‌های انگلیسی نیز معروف است. این شیوه‌ی نبرد در دوره‌ی پارتیان از شیوه‌های نبرد «جنگ و گریز» بوده که جنگجویان پارتی آن را اجرا می‌کرده‌اند. این دسته جزو دسته‌ی سوارکاران سبک‌اسلحه بودند که سلاح آنها فقط تیروکمان بوده و از زره و کلاه خود استفاده می‌کردند.<sup>۲</sup> این رشته مخصوص تیراندازی تربیت و تجهیز می‌شدند؛ به همین علت چُست و چالاک بودند و پیش از آنکه دشمنان در مقام دفاع برآیند، آنان را زیر باران تیر می‌گرفتند و با جنگ و گریز خسته می‌کردند.<sup>۳</sup> با توجه به تشابه نقش مذکور به نگاره‌های دوره‌ی اشکانی، می‌توان این فرضیه را نیز محتمل دانست که نگاره‌ی سوارکار شاید متعلق به ادوار بعدی بوده و صرفاً تقلید و تکراری کهن‌نمونه‌ای (آرکی‌تایپی) از آن دوره است.



۱. «بررسی و مطالعه‌ی نقوش صخره‌ای غار کرفتو، شمال کردستان»، ص ۶.
۲. جی آ. بویل، (۱۳۶۸)، *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی*، ترجمه‌ی حسن انوشه، ج ۳، تهران: امیرکبیر.
۳. مرتضی راوندی، (۱۳۸۴)، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۱، تهران: نگاه (به نقل از اسماعیل نساجی‌زواره، (۱۳۸۸)، «ساختار ارتش و شیوه‌ی نبرد در عصر اشکانیان»، *مجله‌ی رشد آموزش تاریخ*، دوره‌ی ۱۱، ش ۱، ص ۲۴).

بررسی و مطالعه‌ی تطبیقی نقوش صخره‌ای عقربلو با نقوش صخره‌ای غار کرفتو | ۱۴۷



تصویر شماره‌ی ۴: سوارکار عقربلو در حال تیراندازی به عقب<sup>۱</sup>



تصویر شماره‌ی ۵: نقوش مربوط به سوارکاران در غار کرفتو<sup>۲</sup>

۱. نگارندگان.

۲. «بررسی و مطالعه‌ی نقوش صخره‌ای غار کرفتو، شمال کردستان»، ص ۴.



ب) نقش بز کوهی: بز، نگاره‌ی اصلی کل نقوش صخره‌ای عقربلو است که همچون دیگر نقوش مجموعه، اکثراً به شیوه‌ی خلاصه‌نگاری و استیلیزه ایجاد شده و فقط در دو مورد به جزئیات بدن حیوان و حجم آن به صورت مختصر اشاره شده است. شاخ هلالی بلند بزها به صورت خیلی چشمگیر و بی هیچ گونه تناسبی با بدن حیوان کنده‌کاری شده و فقط در دو مورد، نقش بز با شاخ‌های کوتاه دیده می‌شود. اندازه‌ی بزها نیز از ۱۰ سانتی‌متر تا ۳۵ سانتی‌متر متغیر است (تصاویر شماره‌ی ۶ و ۷). از بین ۱۲ نگاره‌ی بز عقربلو، فقط یک مورد از آنها به صورت تک‌شاخ به تصویر کشیده شده است. نقش بز کوهی در طبقات مختلف غار کرفتو از جمله در نقوش دیوار غربی طبقه‌ی اول و نقوش طبقه‌ی سوم به چشم می‌خورد. نقوش بزها از لحاظ مضمون و نوع شمایل و همچنین نحوه‌ی اجرای نقش بسیار به نمونه‌های عقربلو شبیه‌اند. با توجه به اسناد و مدارک موجود و همچنین با توجه به حضور بسیار نقش بز در دیگر مجموعه‌ها، اعم از ایران و کشورهای همسایه، می‌توان استنباط کرد که این حیوان در میان مردمان پیش از تاریخ و ادوار تاریخی مظهر سودبخشی و نمادی از آبادانی و فراوانی بوده، به طوری که امروزه نیز همین مظاهر و معانی را در میان مردم حفظ کرده است. از طرف دیگر، این فراوانی نقوش بز را شاید بتوان به اوضاع و شرایط اقلیمی و زیست‌محیطی منطقه، در زمان ایجاد نقوشها نسبت داد. در ایران قدیمی‌ترین تصویری که از این حیوان در آثار هنری مشاهده شده است، به دوره آغاز نوسنگی مربوط می‌شود.<sup>۱</sup> بز از نخستین جانورانی است که ۱۱ هزار سال پیش در کوهپایه‌های زاگرس به دست انسان اهلی شده است.<sup>۲</sup> در بیشتر مناطق ایران، هر جا که سرچشمه‌ی آب بود، نقش بز کوهی روی تخته‌سنگ‌ها دیده می‌شود؛<sup>۳</sup> به عبارت دیگر هر جا که بز کوهی دیده می‌شود، نشان از آب و گیاه می‌دهد.<sup>۴</sup> بزها در روزگار باستان به

۱. سنگ‌نگاره‌های ارسباران، ص ۱۱۸.

2. Zeder, M.A., (2008), Domestication and early agriculture in the Mediterranean Basin: Origins, diffusion, and impact. *PNAS*, Vol. 105, No. 33: P. 12.

۳. محمد ناصری فرد، (۱۳۸۸)، سنگ‌نگاره‌های ایران، نمادهای اندیشه‌نگار، خمین: خمین.

۴. ابوالقاسم دادور، الهام منصوری، (۱۳۸۵)، درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران در عهد باستان، تهران: کهر و دانشگاه الزهرا.



| بررسی و مطالعه‌ی تطبیقی نقوش صخره‌ای عقربلو با نقوش صخره‌ای غار کرفتو | ۱۴۹

عنوان تجسم باروری انسان‌ها و گله‌های حیوانات پرستیده می‌شدند. بز کوهی در تمدن‌های اولیه‌ی مصر و هند نیز پرستیده می‌شد و با حاصلخیزی در ارتباط بود.<sup>۱</sup>



تصویر شماره‌ی ۶: قسمتی از نقوش صخره‌ای عقربلو<sup>۲</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. جیمز هال، (۱۳۸۰)، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه‌ی رقیه بهزادی، تهران:

فرهنگ معاصر.

۲. نگارندگان.



تصویر شماره ۷: نقوش دیواره‌ی جنوبی سنگ‌نگاره‌ی عقربلو<sup>۱</sup>

ج) نقش محراب‌مانند: کنده‌نگاره‌ی محراب‌مانند، از جمله‌ی نگاره‌های مشترک بین نقوش درون غار کرفتو و صخره‌نگاره‌ی عقربلو است. این نقش روی صخره‌نگاره‌ی عقربلو در زیر نگاره‌ی لوزی و بالاتر از دیگر نقوش موجود، به تصویر کشیده شده است. محمود پدرام در کتاب خود، این نقش را به مار تشبیه کرده؛<sup>۲</sup> اما با توجه به تقارنی بودن دو وجه خط‌کنده‌ی پهن در دو طرف، این نقش بیشتر به نقش یک محراب می‌ماند تا نقش یک مار (تصویر شماره‌ی ۸). نگاره‌ی محراب، از اتاق طبقه‌ی دوم غار کرفتو نیز که به اتاق محراب معروف بوده، به دست آمده است. ظاهر قسیمی و همکارانش تصویر این محراب را، شبیه نمونه‌های دوره‌ی ایلخانی می‌دانند (تصویر شماره‌ی ۹).<sup>۳</sup> نقش محراب عقربلو از لحاظ قطر خطوط و عمق آن، همچنین از لحاظ شیوه‌ی اجرای نقش، تقریباً مشابه نمونه‌ی غار کرفتو است؛ با این تفاوت که در نمونه‌ی عقربلو، قسمت پایین محراب، مانند نمونه‌ی غار کرفتو

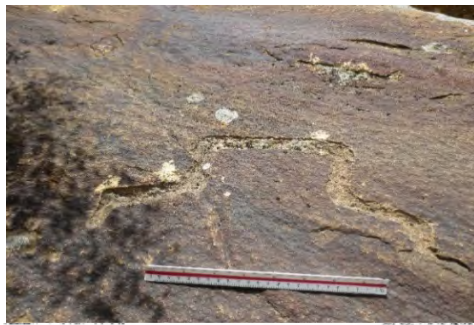
۱. همان‌جا.

۲. تمدن مهاباد، ص ۱۳۲.

۳. «بررسی و مطالعه‌ی نقوش صخره‌ای غار کرفتو، شمال کردستان»، ص ۶.

| بررسی و مطالعه‌ی تطبیقی نقوش صخره‌ای عقربلو با نقوش صخره‌ای غار کرفتو | ۱۵۱

ترسیم نشده و گویی فقط به نماد آن بسنده کرده‌اند. لازم به ذکر است که این نقش در هیچ کدام از دیگر نقوش صخره‌ای موجود در سایر نقاط ایران، به دست نیامده است.



تصویر شماره‌ی ۸: نقش محراب‌مانند در عقربلو<sup>۱</sup>



تصویر شماره‌ی ۹: نقش محراب در غار کرفتو<sup>۲</sup>

۱. نگارندگان.

۲. «گزارش بررسی نقوش صخره‌ای در منطقه اورامان»، ص ۷۸.

د) نقش لوزی: نقش هندسی لوزی دیگر نگاره‌ی نمادین عقربلو است. این نقش در بالاترین سطح صخره و بلندتر از تمامی نقوش قرار گرفته است (تصویر شماره‌ی ۱۰). غیر از طرح لوزی موجود در مجموعه‌ی مورد مطالعه، در قسمت پایین صخره‌نگاره‌ها دو خط شکسته‌ی متقاطع نیز نقش بسته که طرح حاصل از تقاطع این دو خط نمادین، شکل یک لوزی است (تصویر شماره‌ی ۱۱). اشکال لوزی درون غار کرفتو که بیش از ده عددند، از نظر طرح و ابعاد کاملاً به نمونه‌ی موجود در عقربلو شبیه‌اند. نقوش متعدد لوزی بر دیواره‌های چهار طبقه‌ی غار کرفتو، به‌ویژه طبقه‌ی اول آن، حکاکی شده است (تصویر شماره‌ی ۱۲). در نمونه‌ای از نقوش لوزی موجود در غار کرفتو، همانند لوزی زیرین عقربلو، از محل تقاطع دو ضلع لوزی، دو خط‌کنده به بیرون امتداد پیدا کرده است.<sup>۱</sup> وجود نقوش متعدد لوزی که بر دیواره‌های چهار طبقه‌ی غار، به‌ویژه طبقه‌ی اول، حکاکی شده‌اند، بیانگر این است که این مکان در گذشته محلی مقدس بوده است. پروفیسور والتر هاینز در کتاب یافته‌های تازه از ایران باستان، اشکال لوزی را در قالب تقدیس معرفی کرده است.<sup>۲</sup>

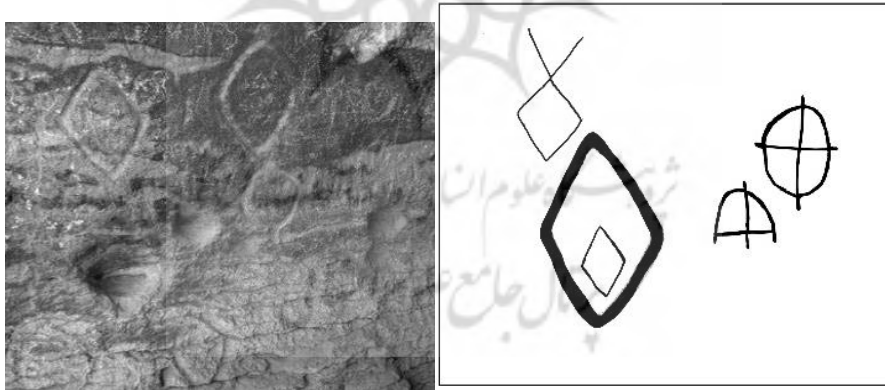
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- 
۱. «بررسی و مطالعه‌ی نقوش صخره‌ای شمال غرب ایران جهت بهره‌وری‌های فرهنگی، هنری و گردشگری (مطالعه‌ی موردی روستای عقربلو و غار کرفتو)»، ص ۷.
  ۲. والتر هاینز، (۱۳۸۷)، یافته‌های تازه از ایران باستان، ترجمه‌ی پرویز رجیبی، تهران: ققنوس، ص ۳۹۲.

بررسی و مطالعه‌ی تطبیقی نقوش صخره‌ای عقربلو با نقوش صخره‌ای غار کرفتو | ۱۵۳



تصاویر شماره‌ی ۱۰ و ۱۱: نقوش لوزی در صخره‌نگاره‌ی عقربلو<sup>۱</sup>



تصویر شماره‌ی ۱۲: نقوش لوزی در طبقات مختلف غار کرفتو<sup>۲</sup>

۱. نگارندگان.

۲. «گزارش بررسی نقوش صخره‌ای در منطقه‌ی اورامان»، ص ۷۸.

## تفسیر و تاریخ‌گذاری نسبی نقوش مورد مطالعه

از جمله‌ی مهم‌ترین مشکلاتی که درباره‌ی گاه‌نگاری و تعیین زمان دقیق ایجاد نقوش صخره‌ای وجود دارد، نبود امکان مطالعات آزمایشگاهی در ایران است؛ بنابراین فقط با انجام مطالعات تطبیقی و شناخت ماهیت و موضوعات نگاره‌ها، تاریخ‌گذاری نسبی این دسته آثار شدنی است. با توجه به میزان فرسایش و هوازدگی نقوش صخره‌ای عقربلو و عمق آنها، می‌توان گفت که تمامی نگاره‌های این مجموعه در یک زمان و متعلق به یک گروه از مردمان محل‌اند.

همان‌طور که ذکر شد یکی از مهم‌ترین راه‌های تاریخ‌گذاری نسبی نقوش صخره‌ای، توجه به نوع و ماهیت نگاره‌های کنده‌شده روی تخته‌سنگ‌هاست؛ به‌عنوان مثال نگاره‌ی اسب و سوارکار عقربلو، در حالی که سوارکار افسار را در دست‌های خود نگه داشته است، نشان از اهلی‌کردن این حیوان توسط انسان دارد و متعلق به دوران بعد از اهلی‌کردن اسب بوده است. اسب را برای نخستین بار هندو اروپاییان رام کردند<sup>۱</sup> و تاریخ اهلی‌کردن و استفاده از آن فراتر از عصر آهن نیست.<sup>۲</sup> اسب در دوران باستان بسیار رایج بوده، به‌طوری که مادها آن را به‌عنوان مالیاتی به آشوریان پرداخت می‌کردند.<sup>۳</sup> بیشتر محققان مجموعه‌هایی را که دارای نقوش اسب و سوارکار است، متعلق به هزاره‌ی اول پ.م می‌دانند.<sup>۴</sup> ذکر این نکته نیز الزامی بوده که می‌تواند ادوار جدیدتر را نیز شامل شود. نکته‌ی مهم درباره‌ی نگاره‌ی سوارکار عقربلو، تیراندازی سوارکار با تیروکمان به سمت عقب است و همان‌طور که ذکر شد، این شیوه‌ی جنگی، یادآور جنگ‌های چریکی پارتیان است. بر

۱. محمود جعفری‌دهقی، (۱۳۸۲)، «اسطوره‌ی باران‌سازی در اساطیر ایران باستان»، *مجله‌ی مطالعات ایرانی*، مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان‌های ایرانی، دانشگاه باهنر کرمان، س ۲، ش ۴، ص ۵۴.  
 ۲. خلیل بیگ‌محمدی، محسن جانجان، نسرین بیگ‌محمدی، (۱۳۹۱)، «معرفی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های نویافته‌ی مجموعه‌ی B ارگس سفلی (ملایر - همدان)»، *نامه‌ی باستان‌شناسی*، دوره‌ی ۲، ش ۲، ص ۱۳۷.

3. Jamal, lahafian, (2013), The Newly Found Petroglyphs in the Western Kermanshah, *Arts* 2013, 4, doi:10.3390/arts4010024 : p. 339 .  
 4. Jamal, Lahafian. (2004), Rock Art Research, Petroglyphs of Kurdistan.21 (1): pp. 3-10.  
 Otte, M., Adeli, J., Remacle, L., (2003), West Iranian Rock Art. INORA. Vol.37, pp. 3-10.

اساس منابع کهن، شکست کراسوس رومی در زمان پارتیان با استفاده از همین شیوه‌ی جنگی صورت گرفت.<sup>۱</sup> بعد از پارتیان، ساسانیان این شیوه‌ی جنگی را از آنان آموختند و همانند پارتیان قابلیت سوارکاری و تیراندازی به پشت سر را داشتند.<sup>۲</sup> با توجه به مطالعات تطبیقی صورت گرفته، یکی از مهم‌ترین صخره‌نگاره‌های قابل مقایسه با نقوش صخره‌ای عقربلو، آثار درون غار کرفتو است. مشابه نقش سوارکار عقربلو، درون طبقات غار کرفتو نیز در چندین صحنه، سوارکار در حال تیراندازی به عقب، به تصویر کشیده شده که متعلق به دوره‌ی پارتیان تاریخ‌گذاری شده است.<sup>۳</sup> علاوه بر این نگاره، آثار عقربلو و کرفتو از نظر نقوش محراب‌مانند، نقوش بز کوهی و نگاره‌ی لوزی نیز با یکدیگر قابل مقایسه‌اند (جدول شماره‌ی ۱). بز که یکی از نخستین حیوانات اهلی شده به دست بشر است، علاوه بر داشتن نوعی احترام نزد انسان آن دوره، یکی از مهم‌ترین منابع تأمین پروتئین مورد نیاز انسان نیز شمرده می‌شده و از این رو از دغدغه‌های انسان گذشته، شکار این حیوان ارزشمند و دستیابی به آن بوده است.<sup>۴</sup> نقش بز کوهی به‌وفور در آثار هنری مفرغ‌های لرستان و ادوار تاریخی هخامنشی و ساسانی به شکل‌های مختلف به تصویر کشیده شده و گویای این حقیقت بوده که بز در آن زمان نیز جایگاهی ویژه داشته است. علاوه بر این با توجه به قرارگیری هر دو صخره‌نگاره در یک جغرافیا و بومی بودن این حیوان در منطقه، می‌توان به حضور بی‌شمار نقش این حیوان و نفوذ آن در فرهنگ و اعتقادات مردمان آن زمان پی برد. افزون بر موارد ذکرشده‌ی فوق، یکی از نقوش موجود در صخره‌نگاره‌ی عقربلو که تعلق این آثار را به دوران تاریخی قوت می‌بخشد، نقش نمادین دایره به همراه نقطه‌ی مرکزی و نوارهای زیرین آن است. طول این نقش ۲۰ سانتی‌متر است که در نگاه اول شبیه نقش یک

1. M, Rostovtzeff, ( 2013), Parthian shot, American Journal of Archaeology, Vol. 47, No. 2 (Apr. - Jun., 1943), p. 186.

۲. علیرضا طاهری، (۱۳۹۱)، «تأثیر نقوش ساسانی بر تصویرسازی نسخ بئاتوس»، *مجله‌ی باغ نظر*، س ۹، ش ۲۱، ص ۲۰.

۳. «بررسی و مطالعه‌ی نقوش صخره‌ای غار کرفتو، شمال کردستان»، ص ۶.

۴. هاشم اتفاقی، (۱۳۹۲)، «سنگ‌نگاره‌های شاه‌چشمه‌ی فردوس»، *همایش ملی باستان‌شناسی ایران، دستاوردها، فرصت‌ها، آسیب‌ها، دانشگاه بیرجند*، ص ۲.

حیوان به نظر می‌رسد، اما با توجه به نقطه‌ی مرکز درون دایره‌ی آن، احتمالاً نگاره‌ای معنادار و مفهومی است (تصویر شماره‌ی ۱۳). نمونه‌ی تقریباً مشابه چنین نقشی در نگاره‌های صخره‌ای از ندریان ملایر، سنگ‌نگاره‌های ارگس سفلی همدان، محوطه‌ی تاریخی تیمره، مجموعه‌ی نقوش صخره‌ای فراهان اراک، نگاره‌های اوجی‌مام همدان و نگاره‌های لاخ مزار به دست آمده است. نگاره‌ی نمادین دایره از نظر شکل ظاهری بسیار مشابه صحنه‌های تاج‌ستانی یعنی گرفتن حلقه‌ی قدرت، در نقوش برجسته‌های ادوار تاریخی ایران است. باید گفت که ساسانیان، بیش از سی نقش برجسته در گستره‌ی امپراتوری خود ایجاد کردند که بیشترشان در ایالت پارس، خاستگاه شکل‌گیری دولت مذکور، کشف شده‌اند.<sup>۱</sup> یکی از مهم‌ترین موضوعات این نقش برجسته‌ها، صحنه‌ی اعطای حلقه‌ی شهریاری است که در چندین نمونه از این دسته از آثار به تصویر کشیده شده است. از آن جمله در دیواره‌ی انتهایی ایوان بزرگ طاق‌بستان در صحنه‌ی مراسم تاج‌ستانی، خسرو دوم [یا پیروز] در حال دریافت حلقه، که از نمادها و اشکال خورنه است، دیده می‌شود.<sup>۲</sup> در نقش رستم، صحنه‌ی اعطای حلقه‌ی شهریاری به نرسه، به‌گونه‌ای به تصویر کشیده شده که بر خلاف پادشاهان قبل از او، آن‌ها تنها به جای اهورامزدا حضور یافته است.<sup>۳</sup> در فیروزآباد یا شهرگور و در نقش رستم، حلقه‌ی قدرت بین دست‌های اردشیر و اهورامزدا در حال ردوبدل شدن است و در نزدیکی طاق‌بستان نیز در نقش برجسته‌ی اردشیر دوم، همین صحنه تکرار شده است. مراسم اعطای حلقه‌ی قدرت پیش از ساسانیان و در ادوار هخامنشی و اشکانی نیز در نقش برجسته‌ها و روی دیگر آثار به نمایش درآمده است.

در نهایت با توجه به مقایسه‌ی سبک‌شناختی نقوش مورد مطالعه‌ی دو محوطه، می‌توان

۱. کلاوس، شیمان، (۱۳۹۰)، *مبانی تاریخ ساسانیان*، ترجمه‌ی کیکاووس جهان‌داری، تهران: فرزانه‌روز، ص ۱۳۶.

۲. احمد حیدری، (۱۳۸۱)، «گور - نیایشگاه صخره‌ای طاق‌بستان»، *مجله‌ی اثر*، ش ۳۳ و ۳۴، ص ۹۶.

۳. ابراهیم رایگانی، (۱۳۹۴)، «پژوهشی در اختلاف پوشش آن‌ها در نقوش برجسته‌ی نقش‌رستم و طاق‌بستان»، *جلوه‌ی هنر*، دوره‌ی جدید، س ۱۰، ش ۱، ص ۴۷.



بررسی و مطالعه‌ی تطبیقی نقوش صخره‌ای عقربلو با نقوش صخره‌ای غار کرفتو | ۱۵۷

با قید احتیاط و احتمال، این صخره‌نگاره‌ها را به دوران تاریخی (اشکانی و پس از آن) منسوب دانست.

جدول شماره‌ی ۱: مقایسه و تطبیق نقوش مشترک عقربلو و غار کرفتو<sup>۱</sup>

ردیف	عنصر تزئینی	نوع نقش	شیوه‌ی بازنمایی	صخره‌نگاره‌ی عقربلو	غار کرفتو
۱	نقش سوارکار	ترکیبی (انسان به همراه حیوان)	گرایش به طبیعت		
۲	بز کوهی	حیوانی	گرایش به انتزاع - گرایش به طبیعت		
۳	محراب	هندسی	گرایش به انتزاع - هندسی		
۴	لوزی	هندسی	هندسی		

۱. نگارندگان.



تصویر شماره ۱۳: نقش نمادین دایره با خطوط زیرین آن در صخره‌نگاره‌ی عقربلو<sup>۱</sup>

#### نتیجه‌گیری

از جمله‌ی مهم‌ترین مشکلاتی که درباره‌ی گاه‌نگاری و تعیین زمان دقیق ایجاد نقوش صخره‌ای وجود دارد، نبود امکان مطالعات آزمایشگاهی در ایران است؛ بنابراین فقط با انجام مطالعات تطبیقی و شناخت ماهیت و موضوعات نگاره‌ها، تاریخ‌گذاری نسبی این دسته آثار شدنی است. گاه‌نگاری و تعیین تاریخ تقریبی ایجاد آثار باستانی موجود همچون ساختارهای صخره‌ای یا دخمه‌ها و صخره‌نگاره‌ها، با توجه به نبود مواد فرهنگی همچون سفال و استخوان و آثار فلزی و... که از جمله‌ی باارزش‌ترین و در عین حال دقیق‌ترین مواد در بازشناخت تاریخ ایجاد مکان‌های باستانی به شمار می‌روند، با مشکل مواجه می‌شود؛ بنابراین همان‌طور که ذکر شد، بهترین شیوه برای گاه‌نگاری نسبی و تعیین تاریخ

---

۱. نگارندگان.

چنین آثاری، مطالعه و مقایسه‌ی ویژگی‌ها و عناصر صخره‌نگاره‌ها با نمونه‌های مشابه تاریخ‌گذاری شده است. مقایسه‌ی نقوش عقربلو با نقوش دیگر مناطق مختلف ایران و حتی فراتر از مرزهای کنونی ایران، نشان‌دهنده یکسان‌بودن مفاهیم، موضوعات و نقش‌مایه‌های به‌کاررفته در این نگاره‌هاست. مقایسه و بررسی نقوش صخره‌ای غار کرفتو و نقوش عقربلو نشان می‌دهد که این آثار از نظر نقش‌مایه و موضوع صحنه‌های به‌کارگرفته‌شده، تکنیک خلق نقوش و سبک ترسیم نقوش، خصوصاً در چهار نقش سوارکار، بز کوهی، لوزی و محراب، بسیار مشابه هم بوده است. لازم به ذکر است که این تشابهات در میان دیگر نقوش صخره‌ای مناطق مختلف ایران نیز دیده می‌شود که نشان از پیوستگی و مواصلت فرهنگی و هنری این مرزوبوم دارد. علاوه بر اشتراکات مذکور، یکی از مهم‌ترین نقوش مشترک غار کرفتو و عقربلو، نگاره‌ی سوارکاری است که در حال تیراندازی به پشت سر خود است. این نگاره را شاید بتوان مهم‌ترین مدرک در تاریخ‌گذاری نسبی این دو مجموعه به شمار آورد. همان‌طور که ذکر شد، این شیوه‌ی جنگی مختص سوارکاران اشکانی بوده که در دوره‌های بعد نیز مورد استفاده قرار گرفته است. نمونه‌ی چنین نگاره‌ای در بسیاری از آثار دوره‌ی اشکانی از جمله آثار گچبری، نقاشی و اشیای فلزی این دوره به چشم می‌خورد. طاهر قسیمی نیز در مقاله‌ی خود نگاره‌ی سوارکار غار کرفتو را متعلق به دوره‌ی پارتیان معرفی کرده است. وجود نگاره‌ی نمادین دایره با نقطه‌ی مرکزی و خطوط زیرین آن در نقوش عقربلو نیز، تعلق این آثار به دوره‌ی اشکانی و پس از آن را بیشتر قوت می‌بخشد. نگاره‌ی نمادین دایره (۶۱) از نظر شکل ظاهری بسیار مشابه صحنه‌های تاج‌ستانی یعنی گرفتن حلقه‌ی قدرت، در نقش برجسته‌های ادوار تاریخی ایران است. برای مثال در نقش برجسته‌ی ساسانی نرسه و آناهیتا در نقش رستم، و همچنین در طاق‌بستان این حلقه‌ی قدرت دیده می‌شود. با توجه به موارد فوق و همچنین تشابه نقوش لوزی، محراب و بز کوهی موجود در غار کرفتو (حداقل قسمتی از نقوش آن) و عقربلو با رعایت شرط احتیاط، می‌توان گفت که این آثار به دوره‌ی پارتی و پس از آن تعلق دارند.

### منابع و مآخذ

- آیتی زاده، آنیسا، (۱۳۹۳)، «بررسی سنگ‌نگاره‌های باستانی اسبته‌ی یزد»، *مجله‌ی جلوه‌ی هنر*، ش ۱۲، صص ۷۹-۹۲.
- اتفاقی، هاشم، (۱۳۹۲)، «سنگ‌نگاره‌های شاه‌چشمه‌ی فردوس»، *همایش ملی باستان‌شناسی ایران*، دستاوردها، فرصت‌ها، آسیب‌ها، دانشگاه بیرجند.
- اشتودان، رسول، (۱۳۷۳)، «بررسی اجمالی غار کرفتو»، به راهنمایی علی‌اکبر سرفراز، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- ایزدینا، حمید، (۱۳۶۳)، *آثار باستانی و تاریخی لرستان*، ج ۱، تهران: آگاه.
- بویل، جی آ، (۱۳۶۸)، *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی*، ترجمه‌ی حسن انوشه، ج ۳، تهران: امیرکبیر.
- بیگ محمدی، خلیل، جانجان، محسن، بیگ محمدی، نسرین، (۱۳۹۱)، «معرفی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های نوپافته‌ی مجموعه‌ی B ارگس سفلی (ملایر - همدان)»، *نامه‌ی باستان‌شناسی*، دوره‌ی ۲، ش ۲، صص ۱۲۱-۱۴۰.
- پدرام، محمود، (۱۳۷۳)، *تمدن مهاباد*، تهران: هور.
- پوربخشنده، خسرو، (۱۳۸۶)، «نگاهی به نقوش صخره‌ای فراهان (اراک)»، *مجله‌ی باستان‌پژوهی*، دوره‌ی جدید، س ۱، ش ۲، صص ۴۶-۴۹.
- ترخانی، محمدسالار، بهاروند، ندا، بدری‌فر، منصور، (۱۳۸۹)، «بررسی غار تاریخی کرفتو از دیدگاه ژئوتوریسم»، *فصلنامه‌ی زمین و منابع واحد لاهیجان*، س ۳، ش ۱، صص ۱۹-۲۸.
- جعفری‌دهقی، محمود، (۱۳۸۲)، «اسطوره‌ی باران‌سازی در اساطیر ایران باستان»، *مجله‌ی مطالعات ایرانی*، مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان‌های ایرانی، دانشگاه باهنر کرمان، س ۲، ش ۴، صص ۵۳-۶۰.
- حیدری، احمد، (۱۳۸۱)، «گور - نیایشگاه صخره‌ای طاق‌بستان»، *مجله‌ی اثر*، ش ۳۳ و ۳۴، صص ۸۹-۹۹.
- دادور، ابوالقاسم، منصوری، الهام، (۱۳۸۵)، *درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران در عهد باستان*، تهران: کلهر و دانشگاه الزهرا.
- راوندی، مرتضی، (۱۳۸۴)، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۱، تهران: نگاه.
- رایگانی، ابراهیم، (۱۳۹۴)، «پژوهشی در اختلاف پوشش آناهیتا در نقوش برجسته نقش رستم و

طابق‌بستان»، جلوه‌ی هنر، دوره‌ی جدید، س ۱۰، ش ۱، صص ۴۵-۵۲.

رشیدی‌نژاد، مسعود، دلفانی، میثم، مصطفی‌زاده، نرگس، (۱۳۸۸)، «معرفی سنگ‌نگاره‌های جریت، شهرستان جاجرم»، *دوفصلنامه‌ی تحلیلی پژوهشی باستان‌شناسی، تاریخ هنر و مطالعات میان‌رشته‌ای*، مجله‌ی انجمن علمی دانشجویان گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، س ۱، ش ۲، صص ۱۶۶-۱۷۴.

رضایی، مهدی، جودی، خیرالنساء، (۱۳۸۹)، «اشکفت‌نگاره‌های هلو ش؛ معرفی، توصیف، تفسیر و گاه‌نگاری»، *مجله‌ی انسان‌شناسی و فرهنگ*. قابل دسترس در وب‌گاه انسان‌شناسی و فرهنگ به نشانی: <http://anthropology.ir/article/7819> (بازیابی شده در: ۲۵ فروردین ۱۳۹۴)

رفیع‌فر، جلال‌الدین، (۱۳۸۴)، *سنگ‌نگاره‌های ارسباران*، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

شیپمان، کلاوس، (۱۳۹۰)، *مبانی تاریخ ساسانیان*، ترجمه‌ی کیکاووس جهانداری، تهران: فرزانه‌روز.

شیخ‌اکبری‌زاده، سمیرا، امیرحاجلو، سعید، عرب، حسنعلی، (۱۳۹۲)، «مطالعه‌ی تفسیرگرایانه‌ی صخره‌نگاره‌های نویافته‌ی زه‌کلوت جازموریان»، *مجله‌ی مطالعات ایرانی*، س ۱۲، ش ۲۴، صص ۱۹۵-۲۱۵.

صفاران، الیاس، شوقی‌بابانظر، ثریا، (۱۳۹۴)، «بررسی و مطالعه‌ی نقوش صخره‌ای شمال‌غرب ایران جهت بهره‌وری‌های فرهنگی، هنری و گردشگری (مطالعه‌ی موردی روستای عقربلو و غار کرفتو)»، *دومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران*، صص ۱-۱۳.

طاهری، علیرضا، (۱۳۹۱)، «تأثیر نقوش ساسانی بر تصویرسازی نسخ بتاتوس»، *مجله‌ی باغ نظر*، س ۹، ش ۲۱، صص ۵۹-۶۸.

فاضل، لیلا، (۱۳۹۰)، «تنگ تاودان و تنگ تیهویی، نویافته‌هایی از هنر صخره‌ای در استان فارس»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس*، س ۲ و ۳، ش ۴ و ۵، صص ۶۹-۷۸.

قسیمی، طاهر، (۱۳۸۶)، «گزارش بررسی نقوش صخره‌ای در منطقه‌ی اورامان»، *مجله‌ی باستان‌پژوهی*، دوره‌ی جدید، س ۲، ش ۳، صص ۷۱-۸۱.

قسیمی، طاهر، قسیمی، آقام، قسیمی، سوران، (۱۳۹۲)، «بررسی و مطالعه‌ی نقوش صخره‌ای غار کرفتو، شمال کردستان»، *سی‌ودومین گردهمایی و نخستین کنگره‌ی بین‌المللی تخصصی علوم زمین*، صص ۱-۱۰.

- قسیمی، طاهر، قسیمی، سوران، قسیمی، آکام، (۱۳۹۵)، کرفتو بوم زمان: بررسی نقوش صخره‌ای، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- کریمی، فریبا، (۱۳۸۶)، «نگرشی نو به کنده‌نگاره‌های صخره‌ای ایران بر مبنای مطالعات میدانی»، *مجله‌ی باستان‌پژوهی*، دوره‌ی جدید، س ۱، ش ۲، صص ۲۰-۳۴.
- لحافیان، جمال، (۱۳۷۹)، سنگ‌نگاره‌های پیش از تاریخ، *فصلنامه‌ی فرهنگ*، س ۱، ش ۳ و ۴، صص ۱۴-۲۱.
- محمدی‌قصریان، سیروان، نادری، رحمت، (۱۳۸۶)، «بررسی و مطالعه‌ی نقوش صخره‌ای خره هنجیران (مهاباد)، *مجله‌ی باستان‌پژوهی*، دوره‌ی جدید، س ۲، ش ۳، صص ۶۱-۶۴.
- ناصری‌فرد، محمد، (۱۳۸۸)، سنگ‌نگاره‌های ایران، *نمادهای اندیشه‌نگار*، خمین: خمین.
- نساجی‌زواره، اسماعیل، (۱۳۸۸)، «ساختار ارتش و شیوه‌ی نبرد در عصر اشکانیان»، *مجله‌ی رشد آموزش تاریخ*، دوره‌ی ۱۱، ش ۱، صص ۲۲-۲۷.
- هال، جیمز، (۱۳۸۰)، *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه‌ی رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
- هاینز، والتر، (۱۳۸۷)، *یافته‌های تازه از ایران باستان*، ترجمه‌ی پرویز رجبی، تهران: ققنوس.

- Bernard, p, (1980), Heracles, Les grottes de karafto et Le sanctuaire du mont sambulos en Iran', *stlr*9, pp. 302-324.
- DeBlase A. F, (1980), The bats of Iran: systematics, distribution, ecology *Fieldiana: Zoology*, N. S., 4: pp. 1-424.
- Gall, H. V, (1978) , Die Kultraume in din Felsen von Karaftu bei Takab (west Azerbaidjan), *AMI (Archaeologische Mitteilungen aus Iran)* , 11: pp. 91-112.
- Lahafian, Jamal, (2004), Petroglyphs of kurdestan, *Rock Art Research*, vol. 21, N. 1, PP. 3-10
- Lahafian, Jamal, (2013), The Newly Found Petroglyphs in the Western Kermanshah, *Arts* 2013, 4, pp. 24-33; doi:10.3390/arts4010024.
- Rostovtzeff, M, ( 2013), Parthian shot, *American Journal of Archaeology*, Vol. 47, No. 2 (Apr. - Jun., 1943), pp. 174-187.
- Stein, A., K.C.I.E, (1940), Old Routes of Western IRAN.
- Zeder, M.A, (2008), Domestication and early agriculture in the Mediterranean Basin: Origins, diffusion, and impact. *PNAS*, Vol. 105, No. 33: PP. 11597- 11604.